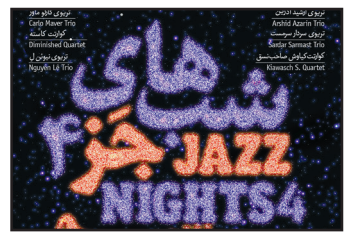
نوا

کوارتت کیاوش صاحب‌نسق در شب‌های جز نیاوران



برنامه شب‌های جز در تابستان ۱۳۹۷ برای چهارمین سال پیاپی روی صحنه می‌رود. و این بار در چهار شب و در قالب هشت اجرا در فرهنگسرای نیاوران برگزار خواهد شد. «شب‌های جز ۴» از روز ششم مردادماه آغاز می‌شود و علاقه‌مندان با تهیه یک بلیت در هر شب می‌توانند به تماشای دو اجرای متفاوت بنشینند. در شب اول، نخست، تریوی «کارلو ماور» نوازنده ایتالیایی باندونئون همراه با گیتار و پرکاشن و سپس تریوی «سردار سرمست» به اجرای برنامه می‌پردازند. در اجرای هفتم مردادماه در بخش اول، کوارتت «کیاوش صاحب‌نسق» آهنگساز نوگرای ایرانی برای نخستین بار روی صحنه می‌رود و در بخش دوم، تریوی «آرشید آذرین» هنرمند ایرانی ساکن فرانسه پیش روی مخاطبان قرار می‌گیرد. در روز هشتم مرداد، ابتدا کوارتت «کاسته» که به تازگی با نشر معتبر «ECM» همکاری داشته، منتخبی از دو آلبوم خود را اجرا می‌کنند و پس از آن تریوی «نیوئن لِ» روی صحنه حاضر می‌شود. مخاطبان در شب پایانی، شاهد اجرای برنامه متفاوتی از کارلو ماور و نیوئن لِ خواهند دید که در واقع سورپرایزِ فستیوال خواهد بود.

کتاب گوشه فرهنگ نواهای ایران



کتاب گوشه، فرهنگ نواهای ایران، با قلم ارشد تهماسبی در ۷۴۰ صفحه مصور در قطع رحلی با جلدسخت توسط انتشارات فرهنگی هنری ماهور منتشر شد. نویسنده درباره کتاب را این‌گونه نوشته است: «هدف اصلی این فرهنگ، صرف‌نظر از جمع‌آوری و شرح و توضیح نام آهنگ‌های قدیم و جدید، بازیابی اختلاف‌ها در نام و مطالب گوشه‌های موسیقی و معرفی درست‌ترین روایت‌ها بر اساس مقایسه‌ی ردیف‌های موجود بوده‌است. این کتاب از این منظر به‌خصوص، علاوه بر کاربرد عمومی‌اش، می‌تواند دستیار نوازندگانی باشد که در حال نواختن گوشه‌های ردیف‌اند. به همین منظور، تا حد امکان و ضرورت، و با توجه به ظرفیت‌های چنین فرهنگی، توضیح و تفسیر فنی گوشه‌های موسیقی هم در دستور کار بوده‌است. به‌طور کلی در اینجا به‌خصوص در مدخل‌هایی که مربوط به موسیقی امروز است، «تفسیر و تحلیل» با «تعریف و تدوین» آمیخته و همراه شده‌است.»

صور تگر سالار عقیلی امین تارخ و علی پژوهشگر



آلبوم موسیقی «صور تگر» با آهنگسازی علی پژوهشگر منتشر شد. این آلبوم حکایتی شورانگیز از مولانا را با صدای «سالار عقیلی»، آهنگسازی و تنظیم «علی پژوهشگر»، و با روایت «امین تارخ» در نقش مولانا، بیان می‌کند و داستان عشق از عشق خاکی تا رسیدن به عشق افلاکی را با موسیقی به تصویر می‌کشد. گروه نریمان به سرپرستی گلناز جمشیدی با نوازندگی آزاد میرزاپور، متین آهنگری، فؤاد عابدی، مرجان راوندی، مهربد یوسفی، حسین رضایی‌نیا، مهیار جلالی‌پور، درشن آنانند، زکریا یوسفی، همایون نصیری، احمد میرمعصومی و ثمین قربانی این آلبوم را اجرا کرده‌است. صور تگر در سراسر ایران در دو نسخه‌ی نفیس و معمولی توزیع شده و در دسترس عموم است. علاقه‌مندان این آلبوم را به‌صورت آنلاین از سایت‌های Beeptunes، Itunes، Spotify و دیگر سایت‌های فروش موسیقی می‌توانند قانونی خریداری و دانلود نمایند.

نگاهی به ۱۵ سال رپ‌خوانی فارسی

رپ فارسی امروز، آگاه‌تر، خلاق‌تر، تجاری‌تر



رشد آگاهی نسبت به مناسبات جامعه و بالغ و هوشمندانه‌تر شدن اعتراض‌ها شاید نقطه تمایز میان هنرمندان زیرزمینی نسبت به هنرمندان تجاری این سبک باشد. تغییری روبه‌جلو که در دهه ۹۰ و ظهور نسل جدید رپرها که عمدتاً تحت تأثیر هیچکس و بهرام بودند قابل مشاهده است

بهروز آقاخانیان

حدود یک دهه است که رپ فارسی جایگاه خود را در میان گروه‌های مختلف جوانان و نوجوانان محکم کرده است. سبکی که در اواخر دهه ۷۰ تحت تأثیر موسیقی رپ امریکا و به‌واسطه استفاده خانواده‌های طبقه متوسط از فناوری‌های ارتباطی جدید مانند ماهواره و اینترنت، جرقه‌هایش در اتاق خواب‌ها و پارک‌ها توسط نوجوانان دهه شصت زده شد. نوجوانانی که با زبان صریح و بی‌پروای خیابانی دست به بیان خواسته‌ها و احساساتشان زدند. گاهی از دعواها و مشکلات خانوادگی‌شان خواندند و گاه از لذت بودن در پارتی‌ها و داشتن سبک زندگی سرخوش. گاه روابط رمانتیکشان را روایت کردند و گاه زبان به انتقاد از فضای شهر و محل زندگی خود گشودند. اما آیا دغدغه و طرز فکر رپرهای ایرانی امروز بعد از بیشتر ۱۵ سال از شروع آن همچنان به همان صورت است؟ آیا می‌توان گفت رپ فارسی چه از نظر فرایند تولید و چه از لحاظ محتوای آثار به دوره بلوغ خود رسیده است؟

مسلماً جریان رپ فارسی نیز همانند دیگر جریان‌های هنری در مقایسه با سالهای ابتدایی خود از نظر فناوری، شیوه تولید و انتشار آثار، درآمدزایی و البته مهارت آهنگسازان و رپرها پیشرفت‌های قابل توجه داشته است. میکروفون‌های چت و نرم‌افزارهای ابتدایی جای خود را به استودیوهایی استاندارد‌تر داده‌اند. هنرمندان به‌جای محدود ماندن به چند سایت کمتر شناخته‌شده، آثارشان را در شبکه‌های اجتماعی خود با دنبال کنندگان فراوان یا شبکه‌های ماهواره‌ای شناخته‌شده پخش می‌کنند. همچنین برخلاف گذشته که هیچ درآمدی از تولید آثار نداشتند، امروزه یا به‌طور مستقل از طریق درگاه‌های پرداخت و قرار دادن آثار بر روی سرویس‌های استریمینگ بین‌المللی مانند اسپاتیفای و یا بستن قرارداد با وب‌سایت‌های و شبکه‌های پخش موسیقی درآمدزایی می‌کنند. علاوه بر این، آهنگسازان و رپرها توانسته‌اند با کار گروهی، تمرین و یادگیری مهارت‌های پیشرفته‌تر، آثاری تولید کنند که با نمونه‌های ابتدایی این سبک فرسنگ‌ها فاصله دارد. اما سؤال اصلی اینجاست که این تغییر و پیشرفت چقدر در طرز فکر هنرمندان و درنتیجه محتوای آثار اتفاق افتاده است. برای پاسخ به این سؤال به گمان نویسنده این یادداشت می‌بایست رپ فارسی را ابتدا در قالب دو جریان در نظر گرفت و سپس به اشتراکات و تفاوت‌های آنها در رابطه با تغییر دیدگاهشان پرداخت. از اواسط دهه ۸۰ و فاصله گرفتن رپرها از سنین نوجوانی، شکل‌گیری دو جریان در رپ فارسی همانند دیگر سبک‌های موسیقی قابل تشخیص است. اول جریانی که تمایل بیشتری به جذب مخاطب انبوه، شهرت و درآمدزایی دارد و درنتیجه آثارشان اصطلاحاً تجاری‌تر و پاپ‌تر می‌شود.

هرچه جریان رپ تجاری به تکرار کلیشه‌های عامه‌پسند پرداخت، رپ زیرزمینی خلاق‌تر و آگاه‌تر شد. تفاوتی در نگاه به هنر و جامعه که در میان طرفداران آن نیز مشهود است

محتوای آثار این جریان آنجایی که لقب اجتماعی به خود می‌گیرد بیشتر بر پایه نصیحت‌های اخلاقی کوچه خیابانی و انتقادهای نرم در «چهارچوب» است و آنجایی که می‌خواهد سرگرم‌کننده باشد حول موضوعاتی مانند روابط رمانتیک، پارتی و سبک زندگی سرخوش می‌چرخد. اما جریان دیگر که اصطلاحاً زیرزمینی و آگاه است، نوآوری و خلاقیت برایشان مهم‌تر است، اصول هنری و اعتقادی خود را به‌سادگی فدای به دست آوردن مخاطب عام و گسترده و درآمد بیشتر نمی‌کند و مفهوم اعتراض برایشان عمیق‌تر و ریشه‌ایست و تا حد ممکن به چارچوب‌های تعریف‌شده حکومتی یا اجتماعی تن نمی‌دهند.

با فاصله گرفتن از سالهای ابتدایی فعالیت، هنرمندان هر دو جریان از لحاظ سنی بزرگ‌تر شدند، عمدتاً تحصیلات خود را در دانشگاه ادامه دادند، مشغول به کار شدند و از نظر مالی استقلال بیشتری پیدا کردند و توانستند آزادانه به دنبال رویاهایشان بروند و همچنین به‌مراتب از گذشته بیشتر در معرض اخبار و جامعه پیرامون خود نیز قرار گرفتند. درنتیجه این تغییرات روح سرکش و یاغی‌شان به‌جای آنکه محدود به گلایه و طغیان علیه خانواده یا مدرسه‌شان باشد، معطوف به شکستن هنجارها موجود در جامعه و حتی نقدهای سیاسی شد. رضا پیشرو دیگر کمتر از مشکلات خانوادگی می‌خواند. «هیچکس» از لذت جمع شدن با «بچه‌محل»ها به آهنگ اختلاف و انتقاد از وضعیت و روابط مردم تهران رسید یا اعضای زدبازی از آهنگ «پدر من بد منو نگاه می‌کنه» یا «مهمانی تو فرمانیه» به خوش‌گذرانی در فرانسه و به رخ کشیدن سبک زندگی خود در دیگر کشورهای غربی رسیدند. اما رشد آگاهی نسبت به مناسبات جامعه و بالغ و هوشمندانه‌تر شدن اعتراض‌ها شاید نقطه تمایز میان هنرمندان زیرزمینی نسبت به هنرمندان تجاری این سبک باشد. تغییری روبه‌جلو که در دهه ۹۰ و ظهور نسل جدید رپرها که عمدتاً تحت تأثیر هیچکس و بهرام بودند قابل مشاهده است. درحالی که رپرهای جریان عامه‌پسند مانند یاس همچنان به نصیحت‌ها و گلایه‌های سطحی و نخ‌نما ادامه می‌دهند، هنرمندان گروه‌های ملتفت، دیوار، پلاک و چریک بافهم درست‌تر از هنر و تسلطشان بر شعر و کلام، دست به خلق آثاری مفهومی و پیچیده‌تر می‌زدند که مخاطب را وادار به تفکر، تحلیل و مطالعه می‌کرد. آگاهی سیاسی و فاصله‌شان از باورها و کلیشه‌های غلط اجتماعی بیشتر شد و اعتراض‌شان فراتر از مسائل روزمره رفت. فهمیدند مشکلاتی که روزانه با آنها درگیر هستند بعضاً نه محدود به زمان حال و کشورشان است، بلکه جهانی است و ریشه در تاریخ مدرنیته و سرمایه‌داری دارد. درواقع می‌توان گفت هرچه جریان رپ تجاری به تکرار کلیشه‌های عامه‌پسند پرداخت، رپ زیرزمینی خلاق‌تر و آگاه‌تر شد. تفاوتی در نگاه به هنر و جامعه که در میان طرفداران آن نیز مشهود است.

استکاتو

تأملی انتقادی بر اجرای «هفت گاه معلق» در شب دوم پروژه «اینترنوا» در تالار وحدت

این اجرا، اجرای هفت گاه معلق لایق بود؟

بیتا یاری، روزنامه‌نگار

هنگامی که آلبومی از یک آهنگساز منتشر شده و در دسترس عموم قرار می‌گیرد این بدان معناست که آهنگساز سطح اجرای نوازندگان، تعبیر و تفسیر آنها از نواختن قطعاتش را موردقبول و شایسته ارزیابی کرده که درنهایت تصمیم به انتشار قطعاتش با استفاده از نوازندگی آنان گرفته است. از این روی در واقع آنچه در نهایت مخاطب می‌شنود ماحصل ایده و ذوق آهنگساز و نوازندگانش و همگرایی و انسجام آنها در ساختن روح قطعه است.

همین امر متر و معیاری به دست ما می‌دهد تا اگر روزی روزگاری در جایی قطعه آهنگسازی به اجرا گذاشته شود آن را با آنچه در آلبوم منتشر شده شنیده‌ایم به مقایسه بگذاریم و میزان تطابق روایت کنونی را با آنچه از پیش شنیده‌ایم بسنجیم.

هرچند ممکن است در برخی اجراها نوازندگانی به‌مراتب قوی‌تر و یا ضعیف‌تر از نوازندگان نقش‌آفرین در آلبوم منتشر شده به اجرا بپردازند که تأثیر آنها در کیفیت اجرا مشهود خواهد بود اما درنهایت امر، میزان انسجام و همگرایی نوازندگی کلیه نوازندگان در جهت نیل به هدف از کار درآمدن قطعه، تطابق ملودی و روح حاکم بر قطعه موسیقی است که مهر تائید و رضایت بر اجرا می‌زند نه صرفاً توانایی تک‌تک نوازندگان قایم به ذات خویش و به طور مفرد.

اجرای هفته گذشته «هفت گاه معلق» در تالار وحدت در ذیل پروژه «اینترنوا» فارغ از آنچه کنسرت این آلبوم موفق در ذیل آن عرضه‌شده بود (کنسرت برای کودکان کار بنیاد خیریه ایلیا) و ای‌بسا از نظر شیوه ارائه ظرف (کانتکست) مناسبی برای عرضه مظروف (تکست) آوانگاردی چون هفت گاه معلق نبود اما مساله مهم‌تر از بستر ارائه‌شده کنسرت، آن چیزی است که اجرا شد و شنیدیم و پرسشی که از پی آن در ذهن هر شنونده علاقه‌مند به موسیقی دکتر فرخزاد لایق، آهنگساز نخبه، گزیده کار و دور از حواشی ایجاد می‌شد که چرا؟ چرا بایستی به این کیفیت و سطح اجرا بسنده کنیم و راضی باشیم؟ حتی اگر آهنگساز بعد از اجرا به روی سن برود و لبخند رضایتی هم بزند اما آیا آنچه شنیده شد حقیقتا می‌توانست رضایت خاطر شنونده آگاه را نیز فراهم کند؟ می‌پرسیم آیا این اجرا، اجرای هفت گاه معلق لایق بود؟ آن‌هم هنگامی که اصل آلبوم پیش روی ماست و طنین هر گاهش را در گوشمان جاودانه جاری ساخته است. آنهم زمانی که اولین اجرای آلبوم هفت گاه معلق در جشنواره موسیقی فجر در سال ۹۱ را با برخی از نوازندگان آلبوم شاهد بوده‌ایم که در ایجاد فضای هفت گاه به مراتب موفق‌تر و به اصل نزدیک‌تر بوده‌اند. و حتی فیلم اجرای گاه پنجم، گاه ترس یا حضور، در آلبوم «کهن کمان» ساخته شروین مهاجر نیز روایتی از اجرای زنده این گاه به دست می‌دهد که بهتر می‌توان آنچه در تالار وحدت شنیده شد را سنجید و به این نکته به خوبی واقف شد که اجرای منسجمی در راستای هدف هفت گاه شنیده نشده است و این اجرا می‌توانست به‌عنوان آزمایش و تمرینی متوسط برای نوازندگان حرفه‌ای خارجی آن باشد تا با تمرکز و تمرین بیشتر به یکپارچگی بهتر در درک روح حاکم بر قطعات و درهم تنیدگی صدای سازها برای اجرا هفت گاه معلق نائل آیند.



عکس: مریم مجد